

مهم‌ترین تعاریفی که از انسان‌شناسی کاربردی توسط پیش‌گامان و نیز فعالان این رشته ارائه شده است بر جنبهٔ عمل‌گرای انسان‌شناسی تاکید می‌کنند؛ جنبه‌ای که بر "ایجاد تغییر" و نیز "حل مشکل" بر پایهٔ پیکره‌ای از دانش‌های انسان‌شناختی تمرکز دارد. در انسان‌شناسی کاربردی از روش‌های علمی برای پردازش اطلاعاتی در تبیین مسائل اجتماعی ناگهانی و یا مقابله با آنها استفاده می‌شود. این درحالی است که تحقیقات بنیادی دانشگاهی بر روش‌های تجربی استوار هستند که هدف آن ایجاد معرفتی جدید در مورد فرایندهای بنیادی است (هدریک و دیگران، ۱۳۷۸: ص ۲-۳).^۸ در این رابطه به عنوان مثال جرج فاستر^۹ "انسان‌شناسی کاربردی" را اصطلاحی می‌داند که توسط انسان‌شناسان برای توصیف فعالیت‌هایشان در برنامه‌هایی به کار می‌رود که هدف عمدهٔ آنها ایجاد تغییر در رفتارهای انسانی به منظور بهبود بخشیدن به مشکلات اجتماعی، سیاسی و فنی است. بیش از آنکه به دنبال توسعه دادن به نظریات فرهنگی و اجتماعی باشد (۱۹۶۹: ۵۴) یا چمبرز^{۱۰} می‌نویسد: "انسان‌شناسان کاربردی

^۸ - در رابطه با تفاوت‌های انسان‌شناسی کاربردی و انسان‌شناسی دانشگاهی می‌توان به موارد دیگری نیز اشاره کرد: انسان‌شناسی دانشگاهی عمدتاً با هدف ایجاد و بسط دانشی فزاینده در پاسخ به پرسشی واحد به‌طور خودجوش در محیط‌های علمی و دانشگاهی و معمولاً توسط یک فرد پژوهش‌گر، در قالبی تک‌رشته‌ای و به‌گونه‌ای انعطاف‌پذیر و با صرف هزینه‌هایی اندک به انجام می‌رسد. درحالی‌که انسان‌شناسی کاربردی اغلب با هدف شناخت و بررسی مشکلات و در پاسخ به پرسش‌های متعدد، با حمایت کارفرمایی اجرایی خارج از محیط دانشگاه، در سازمان‌های دولتی یا غیر دولتی یا در مجموعه‌های تجاری یا صنعتی، در غالب تیم‌هایی چند رشته‌ای و به‌گونه‌ای انعطاف‌ناپذیر و با صرف هزینه‌های بالا به انجام می‌رسد (بر اساس هدریک و دیگران، ۱۳۸۷، ص: ۴-۱۲).

^۹ - J. Foster

^{۱۰} - E. Chambers

نامهٔ انسان‌شناسی

دورهٔ اول، شمارهٔ چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۸۲
صص. ۱۸۹-۱۹۵

Applied Anthropology; Tools and Perspectives for Contemporary Practice,
Alexander M. Ervin, Allyn and Bacon,
Boston, 2000. 255 p.

انسان‌شناسی کاربردی؛ ابزارها و چشم‌اندازهایی
برای تجربه معاصر، الکساندر. ام. اروین، ۲۵۵ص.

* سپیده پارسا پزوه

انسان‌شناسی کاربردی چیست؟

پندارهٔ انسان‌شناسی کاربردی در واقع به حدود یک قرن پیش (۱۹۰۶)، همراه با پایه‌گذاری برنامه درسی مرتبطی در دانشگاه آکسفورد باز می‌گردد (رید، ۲۰۰۲). هرچند پیش از آن گرایشی تقریباً مشابه تحت عنوان "انسان‌شناسی عملی"^۱ نیز از حدود دههٔ ۱۸۶۰ توسط جیمز هانت^۲ نیز مورد توجه قرار گرفته بود (ادی^۳ و پارتریج^۴، ۱۹۸۷: ۴)، اما استفاده از واژهٔ دقیق "انسان‌شناسی کاربردی" برای اولین بار به رادکلیف براون نسبت داده می‌شود که آن را در مقاله‌ای تحت عنوان "انسان‌شناسی به مثابهٔ خدمتی عمومی و نقش مالینوفسکی در آن" در سال ۱۹۳۰ به کار برد (گولد^۵ و کلب^۶، ۱۹۶۴: ۳۲).

* کارشناس ارشد انسان‌شناسی

1 - A. M. Reed

2 - practical anthropology

3 - James Hunt بنیان‌گذار انجمن انسان‌شناسی لندن -

4 - E. M. Eddy

5 - W. L. Partridge

6 - J. Gould

7 - W. L. Colb

اهمیت نقش آن در بهبود بخشیدن به شرایط انسانی تاکید می‌کرد (سیلز^{۱۴}، ۱۹۶۸: ۳۳۷). پس از آن، اولین کار اجرایی انسان‌شناسی کاربردی در آمریکا در سال ۱۹۳۴ در رابطه با خدماتی که برای سازمان‌دهی مجدد سرخ‌پوستان انجام می‌دادند، بنا گذاشته شد. در طول جنگ جهانی دوم، انسان‌شناسان کاربردی نقش بیشتر و گسترده‌تری را ایفا نمودند؛ در این دوره به عنوان مثال به‌طور خاص به مطالعه مسائل مربوط به انتقال اجباری ژاپنی‌های ساحل غربی به اردوگاه‌های شرقی سیراس^{۱۵}، پرداخته شد (فاستر، ۱۹۶۹: ۲۰۳). به دنبال این گرایش‌ها در نهایت در سال ۱۹۴۱، انجمن انسان‌شناسی کاربردی^{۱۶} توسط انسان‌شناسانی چون مارگریت مید^{۱۷}، الیوت چپل^{۱۸}، و فرد ریچاردسون^{۱۹}، در پاسخ به "سوگیری‌های دانشگاهی رو به رشد، در دل انجمن انسان‌شناسی آمریکا"^{۲۰} پایه‌گذاری شد (رید، ۲۰۰۲).

همه این تغییرات از یک سو و از سوی دیگر تغییرات خاص بعد از جنگ جهانی دوم، منجر به افزایش تقاضا برای تکمیل اعضای گروه‌های دانشگاهی در رشته انسان‌شناسی در آمریکا گردید (رید، ۲۰۰۲). این روند ادامه داشت تا اواخر دهه ۱۹۶۰ و ابتدای دهه ۱۹۷۰ که دانشگاه‌ها دیگر توانایی جذب شمار زیاد فارغ التحصیلان دکتری از رشته انسان‌شناسی را نداشتند. درحالی‌که در موازات این وضعیت،

از دانش، مهارت‌ها و دیدگاه‌های رشته خود در جهت کمک به حل مشکلات انسانی و نیز تسهیل تغییر استفاده می‌کنند" (۱۹۸۵: ۸). به‌طورکلی انسان‌شناسی کاربردی، گرایشی است که در مقابل گرایش آکادمیک شکل گرفته و همه دغدغه‌اش این است که "خارج از دانشگاه" در محیط‌های اجتماعی و در میان مردم دست به استفاده از دست‌آوردهای آکادمیک بزند. چنانچه مالینوفسکی در تعریف عبارت "انسان‌شناسی عملی"^{۱۱} خود می‌گوید که این حوزه بر انجام کارهایی عملی خارج از دانشگاه تمرکز دارد (همان).

تاریخچه رشته

گاه ممکن است انسان‌شناسی به مثابه کاربردی حاشیه‌ای بر انسان‌شناسی دانشگاهی تلقی شود و یا حتی بنگاهی که در پاسخ به نقصان مشاغل دانشگاهی برای انسان‌شناسان پدیده آمده است. اما در واقع به نظر می‌رسد که کاربرد، در اولین بینش‌ها و نیز در خلال فعالیت‌های بعدی انسان‌شناختی، بیشتر حکم یک پیش‌گام را داشته است (اروین، ۲۰۰۰: ۱۴). به‌رحال با این‌که حوزه کاربرد در انسان‌شناسی، تاریخی طولانی دارد، اما تا سال‌های اخیر در سایه پژوهش‌های بنیادی و محض انسان‌شناختی قرار داشته است (پودولفسکی^{۱۲}، ۲۰۰۲: ۱). انگلستان در واقع اولین جایی بود که ارزش انسان‌شناسی کاربردی را تشخیص داد و برای اولین بار انسان‌شناسان را برای انجام برنامه‌های کاربردی مورد توجه قرار داد (فاستر، ۱۹۶۹: ۱۸۱). چنانچه ادوارد برنت تایلور^{۱۳}، انسان‌شناسی را به مثابه رشته‌ای تلقی می‌کرد که باید "علم سیاست‌گذاری" باشد و بر

¹⁴ - D. Sills

¹⁵ - Sierras

¹⁶ - Society for Applied Anthropology (SFAA)

¹⁷ - M. Mead

¹⁸ - E. Chapple

¹⁹ - F. Richardso

²⁰ - American Anthropological Association (AAA)

¹¹ - practicing anthropology

¹² - Podolefsky

¹³ - E.B. Taylor

آشکار که اهدافی متمرکز بر اراده محلی و نیز حقایق علمی دارند)، "انسان شناسی تحقیق و توسعه"^{۲۵} (پژوهش‌هایی مبتنی بر مداخله مشارکتی)، "توسعه جماعتی"^{۲۶} (اقدام گروه‌های خودیار از طریق هم‌کاری‌های مشارکتی و داوطلبانه محلی)، "انسان شناسی حمایتی"^{۲۷} (تسهیل اقدامات محله محور از طریق تجهیز داده‌های مورد نیاز و هم‌چنین کمک‌های فنی)، "وساطت فرهنگی"^{۲۸} (روی‌کرد مداخله‌ای که مردم یک نظام اجتماعی فرهنگی هم‌سطح را از طریق یک شخص واسطه به‌هم پیوند می‌دهد) و در نهایت "بازاریابی اجتماعی"^{۲۹} پژوهش‌های بازاریابی تجاری که با علوم اجتماعی کاربردی آمیخته شده‌اند تا مردم را در تغییر رفتارهایشان در جهت رفتار سودمندانه‌تر کمک کنند)، است (همان).

۱- خط‌مشی پژوهی^{۳۰}

خط‌مشی پژوهی نیز از روش‌های "ارزیابی تأثیر اجتماعی"^{۳۱} (جمع‌آوری داده‌های اجتماعی فرهنگی محلی به این منظور که مورد استفاده برنامه‌ریزان توسعه قرار گیرد)، "تحقیقات توسعه فناوری"^{۳۲} (کنش‌گری به مثابه رابطی میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان فناوری‌های جدید)، "تحقیقات ارزشیابی"^{۳۳} (تعیین میزان موفقیت پروژه)، "ارزیابی منابع فرهنگی"^{۳۴} (مشخص کردن میزان تأثیر توسعه مرکزی بر

نوعی تقاضای فزاینده برای جذب انسان‌شناسان در فرصت‌های شغلی اجرایی و کاربردی دیده می‌شد (رید، ۲۰۰۲). به عبارت دیگر در دهه ۱۹۷۰، در حالی که عرضه فرصت‌های کاری در موقعیت‌های دانشگاهی کاهش می‌یافت، فرصت‌های پژوهشی برای سیاست‌گذاری و نیز نیازسنجی‌های اجتماعی، به‌ویژه در حوزه‌های مراقبت‌های بهداشتی و سازگاری‌های اجتماعی با فن‌آوری جدید و نیز در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی، رو به افزایش بود. در کنار همه این جریانات نشر کتب و مجله‌هایی نیز توسط "انجمن انسان‌شناسی کاربردی"^{۳۵} به تلاش جهت از بین بردن فاصله بین انسان‌شناسی عمل‌گرا و انسان‌شناسی دانشگاهی می‌پرداختند تا رفته رفته تأثیر انسان‌شناسی را در پژوهش‌های سیاست‌گذارانه و نیز اجرای این سیاست‌ها تقویت کنند (رید، ۲۰۰۲). از دهه ۱۹۸۰ به بعد، براساس آمارهای موجود، حداقل یک‌سوم فارغ‌التحصیلان انسان‌شناسی در آمریکا، جذب بازارهای کار خارج از دانشگاه می‌شوند. روندی که همچنان رو به تزیاید است (همان).

گرایش‌های مختلف در انسان‌شناسی کاربردی
در حال حاضر به طور کلی دو نوع مقوله کاربردی در انسان‌شناسی قابل تفکیک است (وان ویلیگن^{۳۲}، ۱۹۹۳: ۱۵۷ - ۲۰۷):

انسان شناسی دخالت‌گرا^{۳۳}

انسان‌شناسی دخالت‌گرا شامل روی‌کردهایی از "انسان‌شناسی عملی"^{۳۴} (استراتژی‌هایی با فواید

- 25 - research and development anthropology
- 26 - community development
- 27 - advocacy anthropology
- 28 - cultural brokerage
- 29 - social marketing
- 30 - policy research
- 31 - social impact assessment
- 32 - technology development research
- 33 - evaluation research
- 34 - cultural resource assessment

²¹ - برخی از این نشریات عبارت بودند از :
Applied Anthropology (1949), Practicing Anthropology (1978)

²² - Van Willigen

²³ - intervention anthropology

²⁴ - action anthropology

بنابراین نیازمند تلاش‌هایی بیشتر برای جلب فرصت‌های حرفه‌ای مرتبط است.

پروسی کتاب "انسان‌شناسی کاربردی"
این کتاب در واقع انسان‌شناسی کاربردی را به عنوان زیرشاخه‌ای از انسان‌شناسی فرهنگی - اجتماعی مورد توجه قرار داده است و عملاً ربطی به شاخه‌های کاربردی در حوزه‌های باستان‌شناسی، زبان‌شناسی و انسان‌شناسی زیستی ندارد.³⁷ از نظر اروین "انسان‌شناسی علمی نیست که فقط با موضوعات خاص و حاشیه‌ای نظیر موضوع اقلیت‌ها، موضوعات باستانی و یا جوامع غریب³⁸ سروکار داشته باشد، بلکه از طریق این علم می‌توان موضوعات اساسی‌تری مثل رفاه اجتماعی، بهداشت، بحران‌های زیست محیطی و اقتصادی را نیز مورد توجه قرار داده و در آن نسبت به نیازهای عملی اجتماعی که همه ما را به‌گونه‌ای تحت تأثیر قرار می‌دهند متعهد شد" (ص. ۱).

تأکید اساسی این کتاب بر جستجوی گستره وسیعی از مجموعه‌های غیرستتی و غیردانشگاهی است که از ابزارها و دیدگاه‌های کاربردی که بر موضوعات مرتبط با خط مشی تمرکز می‌کنند، استفاده می‌کنند (ص. ۱۲). در این کتاب جهت‌گیری عمده تأکید بر خدمات عمومی و حل مسأله³⁸ از خلال شیوه‌های کاربردی مبتنی بر هم‌کاری است که شامل پژوهش‌های عملی مشارکتی و حمایت‌گرا است (همان) و در آن جای‌گاه انسان‌شناسی در قلمرو شناخته شده یافتن خط‌مشی، مثل

36 - لازم به ذکر است که هریک از این شاخه‌های حوزه‌های کاربردی خود را دارند، مثل گفتار درمانی، فراگیری زبان، آموزش زبان دوم، مدیریت منابع فرهنگی و ...

37 - exotic

38 - problem - solving

محل‌های باستانی و آثار تاریخی) تشکیل شده است (همان).

به‌طورکلی به‌نظر می‌رسد که انسان‌شناسی کاربردی یکی از حوزه‌های عمده و اساسی برای رشد آینده انسان‌شناسی باشد (AAA, 1997-98: 308, Guide). در: رید). در حال حاضر رساله‌های دانشگاهی انسان‌شناسی کاربردی، هر چهار حوزه علمی ستی در انسان‌شناسی و همچنین همه میدان‌های پژوهش را تحت پوشش قرار می‌دهند. هرچند در این رابطه برخی از انسان‌شناسان نظیر چمبرز معتقدند که انسان‌شناسی اصالتاً نه چهار زیر شاخه، بلکه باید پنج زیر شاخه داشته باشد؛ آن‌ها انسان‌شناسی کاربردی را به عنوان پنجمین زیر شاخه آن تلقی می‌کنند (۱۹۸۵). در حال حاضر عملاً یک چهارم پژوهش‌های انسان‌شناختی که در ایالات متحده انجام می‌شود، در حوزه انسان‌شناسی کاربردی قرار دارد (رید، ۲۰۰۲).

اما با این همه هنوز فاصله و تنش بین "انسان‌شناسی دانشگاهی"³⁹ و "انسان‌شناسی کاربردی" و یا همان فاصله معروف بین کارهای "پژوهش - محور" و کارهای "اقدام - محور" هم‌چنان باقی است و به نظر می‌رسد که باید مورد تعمق و تأمل قرار گیرد تا انسان‌شناسان را به تحرک جهت کسب فرصت‌های هرچه بیشتر کاری در حوزه‌های مختلف ترغیب کرده و همچنین گفت‌وگوی بین این دو حوزه آشنای جدا از هم: "عمل" و "نظر" را تسهیل کند (همان).

این فاصله و چالش‌های مرتبط با آن در کشور ما به طور خاص، جایی که رشته انسان‌شناسی دانشگاهی نیز هنوز جای‌گاه خود را نیافته است، به مراتب بیشتر خودنمایی می‌کند و

35 - academic anthropology

موضوعاتی که از آنها سخن می‌گوید مکرراً به ذکر مثال‌ها و مطالعات موردی می‌پردازد.

این کتاب از چهار بخش اصلی تشکیل شده است که عبارت‌اند از: ۱- مقدمه ۲- تحلیل خطمشی و عمل ۳- روش‌های پژوهش کاربردی ۴- نتیجه‌گیری. کتاب در مجموع هفده فصل را در بر می‌گیرد. در این کتاب هر فصل خود، از تعدادی زیر فصل را نیز تشکیل می‌شود و در نهایت با اشاره‌ای به خلاصه مطالب فصل به پایان می‌رسد.

نویسنده در بخش اول سه موضوع کلی رویکردهای انسان‌شناسی کاربردی، تاریخچه انسان‌شناسی کاربردی و موضوع اخلاق در انسان‌شناسی کاربردی را در سه فصل جداگانه به تفصیل به مثابه درآمدی برای ورود به سایر مباحث کتاب مطرح می‌کند.

در بخش دوم (تحلیل خطمشی و عمل) در هفت فصل جداگانه مراحل مختلف در انسان شناسی کاربردی مطرح می‌شود. فصل‌های این بخش عبارت‌اند از: ۱- بررسی چستی خط مشی و ارتباط آن با انسان‌شناسی ۲- قوت‌ها، ضعف‌ها و آینده جهت‌گیری‌های تحلیل سیاست و عمل ۳- نیازسنجی ۴- ارزشیابی برنامه ۵- تاثیرسنجی اجتماعی ۶- تمایلات اخیر کاربردی در محیط‌شناسی انسانی ۷ - انسان‌شناسی حمایت‌گرا.

در بخش سوم (روش‌های پژوهش کاربردی) روش اساسی برای انجام پژوهش‌های کاربردی در حوزه انسان‌شناسی به طور مفصل و به گونه‌ای گام به گام در پنج فصل مجزا تشریح شده‌اند. فصل‌های این بخش عبارت‌اند از: ۱- مردم‌نگاری: مشاهده مشارکتی و مصاحبه با اطلاع رسانی‌های کلیدی ۲- فنون بحث متمرکز گروهی (فوکوس گروپ) و سایر و مصاحبه‌های گروهی ۳- کمی‌سازی از طریق پرسش‌نامه و

ارزیابی نیازها و تاثیرات اجتماعی و همچنین ارزش‌یابی برنامه‌ها برجسته شده است (همان). اروین معتقد است این موضوع از طریق نقاط قوت انسان‌شناسی شامل دانش پایه عمیق و گسترده، بینشی کل‌نگر، رویکردهایی باروش کیفی از یک سو و بیش از همه این‌ها، اتصال پایه‌ای که این رشته می‌تواند به واقعیت‌ها، الهامات و نیازهای اجتماعی داشته باشد. همچنین بر پایه هم‌دلی که الهام بخش کیفیتی بی‌نظیر در جستجوی حقایق اجتماعی است، می‌تواند ما را در راه یافتن راه‌حل برای مشکلات انسانی کمک کند (همان). در واقع از این منظر انسان‌شناسی ابزاری را فراهم می‌کند برای جستجوی موضوعات انسانی با ژرفایی زیاد و از جوانبی گوناگون و به ویژه بیشتر از هر چیز از نقطه نظر مشارکت‌کنندگان، در مقایسه با سایر وضعیت‌ها (همان).

نویسنده کتاب در مقدمه می‌نویسد که مهم‌ترین دغدغه او در این کتاب "معرفی اساسی برای انجام عینی انسان‌شناسی کاربردی است". او همچنین اضافه می‌کند که در پی این است تا به خواننده کتابش مجموعه وسیعی از ابزارهایی را ارائه کند که در زمینه‌ها و حوزه‌های مختلف کاربردی این رشته قابل استفاده باشند.

در این کتاب پیوسته بر این نکته تاکید می‌شود که تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های رسمی باید به عنوان پدیده‌های فرهنگی - اجتماعی درک شوند و در این راستا بر هدف بالا بردن توانایی جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل، اطلاع‌رسانی و در نهایت تحت تأثیر قرار دادن سیاست‌ها پافشاری نموده و موضوعاتی چون تحلیل خطمشی به خودی خود و نیز در زمینه‌ای از تأثیرسنجی، ارزش‌یابی برنامه و حمایت‌گری، به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد. نویسنده برای ملموس کردن

شاخص‌های اجتماعی ۴- فرایند ارزیابی سریع
۵- تحقیق عملی مشارکتی.

در نهایت در بخش پایانی (نتیجه‌گیری) نویسنده در قالب دو فصل جداگانه تحت عناوین:
۱- اصولی دیگر برای انجام اعمال موثرتر
۲- متخصص شدن، به جمع بندی کلی همه مباحث ارائه شده در فصول گذشته در حوزه کاربرد انسان‌شناسی پرداخته است.
این کتاب در پایان علاوه بر بخش کتاب‌شناسی دارای دو نمایه براساس موضوع و نیز اسامی می‌باشد.

کتاب از دو جهت دارای ارزش و اهمیت است، اول این‌که معرفی کاملی انسان‌شناسی کاربردی و دیدگاه‌های آن در وضعیت کنونی و معاصر جهان، به دست می‌دهد. به طوری‌که خواننده بعد از خواندن این کتاب اهمیت انسان‌شناسی را نه به مثابه علمی صرفاً برای شناخت، بلکه به عنوان راه حلی برای فائق آمدن بر مسائل و مشکلات اجتماعی در می‌یابد، چیزی که به نظر می‌رسد به ویژه در موقعیت فعلی جامعه ما می‌تواند حرف‌های زیادی برای گفتن داشته باشد. دوم این‌که کتاب به عنوان راه‌نمایی عملی گام به گام همه فنون و روش‌های مورد نیاز برای عمل، در حوزه انسان‌شناسی کاربردی را می‌آموزد.
با این‌حال، هرچند موارد بسیار با اهمیتی را برای شناختن و به‌کاربردن انسان‌شناسی کاربردی مطرح می‌کند، به نظر می‌رسد که برای خواننده ایرانی و برای استفاده در ایران، جایی که هنوز حتی خود رشته انسان‌شناسی دوره کودکی خود را سپری می‌کند و هنوز چندین شناخته نشده است، نمی‌تواند به عنوان راهنمای عملی جامعه مورد استفاده قرار گیرد. چراکه یکی از مهم‌ترین اصول بنیادی برای انجام هرگونه فعالیت کاربردی در حوزه

انسان‌شناسی، هم‌کاری‌های بین‌رشته‌ای و بین‌بخشی و یا درون‌سازمانی است. برای انجام پژوهش‌های کاربردی هیچ انسان‌شناس ماهری نمی‌تواند ادعا کند که به‌تنهایی و به‌صورت فردی می‌تواند به دست‌آوردهای مؤثری برسد. لذا چیزی که به عنوان بستر اساسی و اولیه برای تحقق بخشیدن به چنین پژوهش‌هایی اکیداً مورد نیاز جدی است، وجود تقاضاهای سازمانی و فراهم بودن تمایل به هم‌کاری‌های مختلف بین‌بخشی یا درون‌بخشی در سازمان‌های اجرایی است. این در حالی است که در جامعه ما، در حال حاضر به ندرت می‌توان سازمان اجرایی را یافت که با رشته انسان‌شناسی آشنایی داشته باشند، تا چه رسد به آشنایی با حوزه‌های کاربردی آن و اعلام نیاز برای انجام فعالیت‌هایی مرتبط. با در نظر گرفتن این موضوع، کتاب در رابطه با روش‌ها به روش‌های انسان‌شناختی بسنده کرده و به خواننده‌ای که در چنین بستری قرار دارد، پاسخی برای مسائل اخلاقی و نیز سیاسی‌ای یک انسان‌شناس کاربردی هر روزه با آن در گیر است ارائه نمی‌کند. مسائلی مثل این‌که: ما به عنوان انسان‌شناسان کاربردی چطور می‌توانیم در مقابل گروه‌های اجرایی که همیشه در خط اول سیاست‌گذاری و اجرا قرار داشته‌اند، قد علم کنیم؟ چگونه می‌توانیم در مقابل کسانی که در حوزه‌هایی مثل شهر، رفاه، بهداشت، اقتصاد و محیط زیست، به عنوان برنامه‌ریزان اجرایی جا افتاده و قدرت‌مند، شناخته شده هستند، اهمیت دانش و مهارت‌های خود را اثبات کنیم؟ چگونه می‌توانیم موافقت‌های بین‌بخشی برای چنین حرکت‌های اساسی را در بستری مثل جامعه خود، جلب کنیم؟
با این‌حال بعد از خواندن این کتاب و با استفاده از دانش و بینشی که از طریق آن

Guide, Englewood Cliffs, NJ, Prentice - Hall.

- Eddy, Elizabeth M. and William L. Partridge, Eds. (1987), **Applied Anthropology in America**, New York: Columbia University Press.

- Foster, George. M. (1969) **Applied Anthropology**, Boston, Little, Brown and Company.

- Gould, Julius and William L. Kolb, Eds. (1964), **A Dictionary of the Social Sciences**. Vol. 1. New York: The Free Press of Glencoe.

- Podolefsky, Aaron & Peter J. Brown, 2002, **Applying Anthropology; an Introductory Reader**. London, McGraw-Hill.

- Reed Ann M. , 2002, **Applied Anthropology; history, the future, organizations, website**.

- Sills, David L. Ed., 1968, **International Encyclopedia of the Social Sciences**. Vol. I. New York: The Macmillan Company & the Free Press.

- Van Willigen : John.,1993, **Applied Anthropology: An Introduction**. Wesport, CT: Bergin & Gravey.

بدست می‌آوریم، هر یک از ما می‌توانیم به اهرمی برای چانه‌زنی با چنین سازمان‌های اجرایی تبدیل شویم تا اهمیت و ضرورت کار بالقوه خود را توجیه نماییم حرکتی که خود راهی است پس دشوار، اما می‌توان امیدوار بود که در صورت وجود تجربه‌هایی هرچند کوچک، ولی موفق و به ویژه منعکس کردن نتایج آن، بتوان در چشم‌اندازی نه چندان طولانی مدت به موفقیتی اساسی در این رابطه دست‌یافت. چرا که در حال حاضر در همه بخش‌های اجرایی کشور، نیاز بالقوه به چنین مهارت‌هایی کاملاً وجود دارد اما باید جای گاه و رابطه آن با انسان‌شناسی شناخته شود و این نیازمند تلاشی مستمر است.

منابع

- استرینگر، ارنست، تی، ۱۳۷۸، تحقیق عملی؛ راهنمای مجریان تغییر و تحول ترجمه سید محمد اعرابی و داوود ایزدی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- ویلیام فوت وایت، ۱۳۷۸، پژوهش عملی مشارکتی، ترجمه محمد علی حمید رفیعی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- هدریک، تری، ای. لئونارد بیک من، دبیرا جی. رگ، ۱۳۷۸، تحقیق کاربردی: راهنمای عمل، ترجمه دکتر سید محمد اعرابی و داوود ایزدی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- American Anthropological Association, 1997, **The 1997-1998 AAA Guide**. Arlington, VA: American Anthropological Association.

- Chambers, Erve. (1985) **Applied Anthropology; A Practical**



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی